

«باستان‌شناسی» تاریخ، معماری و هنر دوره قاجار

“Archaeology” of History, Architecture, and Art of the Qajar Period

Farshid Mosadeghi Amini *

فرشید مصدقی امینی *

Assistant Professor, Department of Prehistoric Archaeology, Research Institute of Cultural Heritage & Tourism, Tehran, Iran. Corresponding author: f.mosadeghi@richt.ir

استادیار، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران، نویسنده مسئول: f.mosadeghi@richt.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ‌ها دریافت: ۱۴۰۲/۱/۱۶ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۲۵	با وجود زیرساخت‌ها و زمینه‌های متنوع در شکل‌گیری و سیر تحولی دوره قاجار و به‌رغم نگرش‌ها و رویکردهای گوناگون پژوهشی درباره این دوره تاریخی معاصر با حیات کنونی ما و در خلاف‌آمد اسناد و اطلاعات موجود از تخریب‌ها و دگرگونی‌های فراگیر پسین در بافت‌های قاجاری، به نظر می‌رسد از منظر «تفحص‌های باستان‌شناسی» و به‌ویژه از لحاظ «کاوش‌های میدانی» و گونه‌های چندگانه آن و تبیین‌ها و تفسیرهای مربوط، «فرهنگ دوره قاجار» همچنان ناشناخته و بکر باقی مانده است. این در حالی است که گستره، تنوع و حجم بقایای سطحی و زیرسطحی بازمانده از دوره قاجار دال بر عکس چنین واقعیت‌هایی می‌تواند بود. اما، ظاهراً تمامی این ویژگی‌ها در پس برخی استعلام‌های اداری - مدیریتی گاه و بی‌گاه غالباً نافرجام (و بدون تأثیر محسوس بر دانسته‌های موجود از این دوره، به‌خصوص در پایتخت کشور) باقی مانده است. از طرفی، نمی‌توان تعجیل در رفع تکلیف‌های کارشناسی را (بنابه فشار تحمیلی از سوی متولیان استعلام‌ها) انکار کرد، در محاق ماندن باستان‌شناسی قاجار را به دلیل هدف‌گذاری‌های متمرکز بر دیگر دوره‌ها نایده گرفت، از واقعیت جستارهای صرف کتابخانه‌ای و نگرش‌های صوری یا اصطلاحی و ناظر بر ارزیابی آثار مرئی (و نه زیرسطحی) در عنوان برخی مقاله‌ها، رساله‌ها یا کتاب‌ها چشم پوشید و بر کرانه یا فرع مباحث جاری بودن باستان‌شناسی دوره قاجار صحنه نگذاشت. این مقاله با دیدگاهی آسیب‌شناختی (بر محور رویدادی علمی - فرهنگی) به «علت‌ها و انگیزه‌ها»، «تنگناها و امکان‌ها» و «راهبردها و تأثیرها»ی «باستان‌شناسی دوره قاجار» و تبیین جایگاه و تحلیل نقش اصلاحی یا اثباتی آن در شناخت و بازشناسی این دوره طولانی یک‌صدوسی‌ساله و البته «نخستین دوره چشمگیر تلاقی سنت و مدرنیسم» در ایران می‌پردازد. ویژگی اخیر را باید مناسب برانگیزنده دیگری در ارج و ارزش «باستان‌شناسی دوره قاجار» برشمرد.
واژگان کلیدی باستان‌شناسی قاجارپژوهی تهران دوره قاجار کاوش باستان‌شناسی دوره قاجار	

Abstract: Despite various infrastructures and contexts in which of the Qajar period formed and developed, and diverse approaches adopted to study this late historical period, and the documents and information on later destruction of Qajar monuments, it seems that the Qajar culture has remained unknown in terms of "archaeological investigations", especially regarding "archaeological fieldwork" and its multiple types and interpretations. Nevertheless, the extent, variety, and volume of the surface and subsurface remains from the Qajar period is noticeable. However, apparently, all these characteristics have remained after some administrative-management inquiries from time to time, which are often unsuccessful (and without appreciable impact on the existing knowledge of this period, especially in the country's capital). This article deals with "causes and motivations", "bottlenecks and possibilities" and "strategies and effects" of "the Qajar period archaeology" with a pathological perspective (based on a scientific-cultural event). It also explains the position and analyzes the corrective or affirmative role in recognizing this long one-hundred-and-twenty-year period, which is considered "the first significant period of the intersection of tradition and modernism" in Iran. The latter feature should be considered as another motivating opportunity to honor and value the "archaeology of the Qajar period".

History

Received: April 4, 2024

Accepted: June 14, 2024

Keywords

Archaeology
Qajar study
Tehran
Qajar period
Exploration
Qajar period archaeology

استناد: مصدقی امینی، فرشید (۱۴۰۳). «باستان‌شناسی» تاریخ، معماری و هنر دوره قاجار». *باستان‌شناسی*، ۴ (۱): ۱۱۸-۱۰۳.

<https://doi.org/10.22034/4.1.4>

© ۱۴۰۳ (۲۰۲۴) نویسندگان مقاله، مجله باستان‌شناسی، مجله پژوهشکده باستان‌شناسی ایران.

مقدمه

تا کم‌تر از نیم قرن یا دقیق‌تر تا چهل‌وشش سال پیش آخرین، نزدیک‌ترین و چه‌بسا در مواردی زنده‌ترین روزگار تاریخی ایران زمین با آغاز و پایان معلوم، زمینه‌های مستند برآمدن، اسباب آشکار برافتادن و روندهای پیدا و پنهان رویدادها، تحولات و دستاوردها، «دوره قاجار» بود. از رهگذر حکمرانی هفت پادشاهِ قجر برگ‌هایی بیش‌و کم و شرح‌هایی کم‌وبیش در دفتر تاریخ معاصر به‌جامانده است. تفاوت‌های معنادار در «مدت زمام‌داری»، «جدایی در کنش‌ها و روش‌ها» و «گونگونی در اوضاع داخلی و بین‌المللی» را باید علتِ حجمِ متغیر مدارک و سبب نوسانِ چندوچون آثار دانست. اما، شواهد و بقایای سیزده دهه حکمرانی قاجارها فقط به آنچه در سطح زمین و محیط پیرامون خود می‌بینیم، محدود نمی‌شود و تنها با نگرش‌ها و جستارهای تاریخی صرف بسط و تفصیل نمی‌یابد.

در اواخر نهمین دهه انقراض سلسله قاجار، از منظر باستان‌شناسی «رگه‌ها و لایه‌ها»، «بافت‌ها و بافتارها» و «اشیاء و ساختارهایی» در زیر سطح زمین و به دور از تراز دید مرئی برجای مانده که منابع تاریخی در نسبت با آنها بی‌مصدق، ساکت، چشم‌فروبوسته یا غافل‌اند. «توع و فرایند نهشت‌گذاری‌های قجری»، «لایه‌های فرهنگی پیش و پس آنها» و «درجا یا برجاماندگی‌ها یا تناوب دست‌خوردگی‌های هرکدام‌شان» توضیحاتی پیشاپیش و فراتر از گزاره‌های تاریخ‌نگارانه و روایت‌محور دوره قاجار و البته — در عین برخی پیوندها — متفاوت با آنها دارد. در واقع، این‌گونه تفحص‌ها با اکتشاف‌ها و نتایج بی‌سابقه خود متضمن برخی برهم‌کنش‌های علت و معلولی ناگزیر اما سودمند میان «ماده فرهنگی» و «سند تاریخی» (اشاره‌ها و اطلاعات پراکنده، نامنسجم، غیرمستقیم و مستلزم تعبیر و تأویل در منابع مکتوب) نیز هستند. این در حالی است که آنچه از جستارها و اسناد تاریخی موجود سراغ داریم، غالباً از دستاوردهای باستان‌شناختی کاوش‌محور — به دلیل انجام‌نشدن، مسکوت‌ماندن، توسعه نیافتن، نبود انسجام و استمرار و اصولاً مانع‌بینی چنین تفحص‌هایی — بی‌بهره‌اند.

«باستان‌شناسی» با راهبردها، مفاهیم، قیاس‌ها و دانسته‌های برآمده از پژوهش‌های میدانی خود امکان توصیف بقایا و تحلیل پدیده‌های مرئی دوره قاجار را به ما می‌دهد و زمینه شرح متفاوت یا مکمل آثار و بازنمایی مستند یا اصلاح‌شده اطلاعات فعلی را فراهم می‌آورد. لیکن، در منابع قاجارشناختی از بایستگی،

اهمیت و نتایج کاوش، شناسایی، توصیف فنی و تفسیر روشمند یافته‌های باستان‌شناختی و مقایسه آنها با اطلاعات موجود عموماً کم‌تر سند و مدرکی می‌یابیم. از طرفی، دانسته‌های قاجارپژوهی هیچگاه از ارزش شواهد و تأثیر نتایج پژوهش‌های باستان‌شناختی برای به‌کردن یا توسعه علمی خود بی‌نیاز نخواهد بود.

«باستان‌شناسی دوره قاجار» یا به سخنی «فرهنگ‌شناسی باستان‌شناسانه»^۱ این دوره را به‌طور کلی می‌توان ذیل سه حوزه ماده‌باورانه «تاریخ»، «معماری» و «هنر» — هرکدام با اجزا یا زیرمجموعه‌های خاص خود — تقسیم‌بندی، معرفی و شرح و تحلیل کرد و بنابه شواهد یا مواد فرهنگی موجود یا کشف‌شده از یک‌سو و مدارک تاریخی‌مند یا انواع نوشتارهای باقی‌مانده از سوی دیگر به «تبیین موضوعی - مصداقی رویدادها» و «توضیح علت و معلولی آثار و یادمان‌ها» پرداخت.

امروزه اهمیت فی‌نفسه و بالقوه «باستان‌شناسی دوره قاجار» یا این دوره متأخر تاریخ ایران ظاهراً به دلیل مواجهه عینی، مشاهده مستقیم و درک مادی و حتی رؤیت روزمره بسیاری از پدیده‌ها و پدیدارهای بازمانده از فرهنگ دوره قاجار، مغفول، نالازم یا غیرضرور تلقی شده است یا به‌عرضه و نمود گذرا یا ارجاع و استناد سطحی به شواهد و یافته‌ها در خلال گزارش‌ها

۱. لزی آوین وایت، انسان‌شناس آمریکایی و از نظریه‌پردازان برجسته در پژوهش‌های ناظر بر «سیر تحول فرهنگ»، «روند دگرگشت‌های فرهنگی» و به‌ویژه از پیشروان «مکتب نوتپورگرایی» در انسان‌شناسی و باستان‌شناسی، در سالهای ۱۹۴۲ و ۱۹۵۹م طی دو کتاب مشهور خود به ترتیب با عنوان «علم فرهنگ» و «طور فرهنگ؛ سیر توسعه تمدن تا سقوط امپراتوری روم»، به پردازش‌های علمی فراگیر و نگرش‌های تحلیلی چندسویه درباره «فرهنگ» دست زد. او بررسی‌ها، توضیح‌ها و تفسیرهای مربوط به شناخت فرهنگ‌ها را نیازمند علم متمایزی دانست که نامش را «فرهنگ‌شناسی» نهاد تا جامع و جایگزین انسان‌شناسی و باستان‌شناسی یا دربردارنده شئون و شقوق آنها شود.

هرچند، چنین راهبرد و پیشنهادی اقبالی تام نیافت، ارتباط، تناسب و دلالت‌های مفهومی و کارکردی «فرهنگ‌شناسی» در تبیین‌ها و جستارهای پیشین پژوهانه همواره بازتاب و نمود عینی دارد (وایت، ۱۳۷۹: ۵۲؛ White, 1959: 28-29; 1949: 397-415). در اینجا، «فرهنگ‌شناسی باستان‌شناسانه دوره قاجار» با دلالت ضمنی بر جنبه‌ها و سویه‌هایی از شناخت آثار و بقایای مرئی و پیدای قاجاریان، ملهم از محورها، مفهوما و مؤلفه‌های مطرح‌شده از سوی وایت برای تبیین شکل‌گیری و توضیح روند یک فرهنگ بوده و بر رویکردی تاکنون مغفول یا صورت‌بندی‌نشده‌ای به نام «باستان‌شناسی دوره قاجار» تأکید دارد.

نوشتارهای قاجارپژوهانه اثر و نشانی از آنها نمی‌یابیم. چنین یافته‌هایی چه‌بسا در مرور برخی پیشامدهای تاریخی همچنان مطرح و تأثیرگذار بر تحولات نزدیک به روزگار ما متضمن اسناد، حاوی داده‌ها، پایه اطلاعات و موجب دانسته‌هایی تاکنون نابوده خواهند بود.^۳

پیشینه جستار

آنچه از جستجوها و پیگردی‌های منبع‌شناسانه برای موضوع صریح و چارچوب دقیق پژوهش حاضر بر اساس دو کلیدواژه «باستان‌شناسی» و «دوره قاجار» یا ترکیب اضافی آن دو در قالب گزاره‌ای واحد (یعنی «باستان‌شناسی دوره قاجار») یا لحاظ برخی مضامین متغیر در پیش، بین یا پس آن دو (مثل: بررسی باستان‌شناسی معماری دوره قاجار) می‌توان یافت، غالباً حاکی از دو مقوله تحقیقی مشخص است:

نخست، «بررسی و معرفی»، «بازبینی و شرح» و «مقایسه و تحلیل» خاستگاه، گونه، روند و سازوکارهای رشته، تخصص، فعالیت یا معرفت باستان‌شناسانه در ایران طی دوره قاجار و نه شناخت باستان‌شناسانه آن دوره.^۴

دوم، طرح رویکردهای موردی یا موضوعی به برخی مضمون‌ها یا ویژگی‌های فرهنگی موجود در دوره قاجار بر پایه گزینش شواهد مادی (اعم از دست‌ساخته‌ها یا پدیدارها) یا با وام‌گیری

۳. گودبرداری‌های گوناگون عمرانی، اضطراری، اجباری یا استعلامی کوچک یا بزرگ، کم‌عمق یا ژرف و گسترده یا متمرکز در بافت‌های استقرار قاجار ساز یا بسترهای حاوی شواهد و محمل نهشت‌های ناشی از تکاپوهای فرهنگی قاجاریان معمولاً در نخستین لایه‌ها و رگه‌های فوقانی خود و در نمای دیواره‌ها یا مقاطع مشهودشان ما را با بقایایی از دست‌ساخته‌های متنوع و چه‌بسا عناصر ساختمانی آسیب‌دیده یا سالم دوره قاجار مواجه می‌کنند. اما، این‌همه را در غالب موارد با بی‌توجهی، فرافکنی، مسئولیت‌گریزی یا فشارهای مدیریتی قربانی تصمیم یا تعجیل مالکان، پیمان‌کاران، مجریان، سیاست‌گذاران یا پشتیبانان طرح‌ها می‌بینیم. در حالیکه مستندنگاری شواهد، گردآوری مدارک و ارزیابی‌های کارشناسی اولیه، کوتاه‌مدت و نظارتی و حتی روی‌آوری بر تمرکز و اجرای کندوکاوهای باستان‌شناختی در راستای وظایف قانونی، منافع ملی و تعهدات نسلی در برابر جامعه و تاریخ حاضر و آتی کشور است.

۴. این مقوله به‌طور کلی متضمن ارزیابی نقش، تأثیر یا عملکرد مستقیم و غیرمستقیم کنشگران مربوط یا مسئول و فعال باستان‌شناسی در ایران دوره قاجار یا روند کلی و مثال‌محور تفحص‌های باستان‌شناختی ایران در زمانه قجرهاست، نه معرف پژوهشگران یا پژوهش‌های متمرکز بر «باستان‌شناسی عصر قاجار». برای نمونه نگاه به: طرفداری، ۱۳۹۸؛ بساطی، ۱۳۹۰؛ ربیعی آثانی و حمیده چوبک، ۱۳۹۴.

بسنده می‌شود و از بررسی‌های تطبیقی، تکمیلی یا اصلاحی ناظر بر دانسته‌های موجود یا بهره‌برداری‌های تحلیلی یا تأویلی برانگیزاننده در تبیین و بسط اطلاعات و درک ژرف‌تر رویدادها کم‌ترین خبر و ثمر ماندگاری به دست می‌آید. به‌نظر می‌رسد «ناآگاهی از زمینه و دامنه» و «غفلت از خوردند و گیرش» باستان‌شناسی دوره قاجار دو عامل مؤثر برای در میان‌نبودن چنین مبحثی — دست‌کم در خط‌مشی‌های پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و نمودهای پژوهشی آن — باشد.^۲ همه اینها در حالی است که با گذشت زمان و روند پُرشتاب تحولات عمرانی و دگرگونی‌های ناگزیر ناشی از اجرای طرح‌های توسعه‌محور در بافت‌های جامعه شهری و حتی — با مقیاس متفاوت — در مجموعه‌ها یا کانون‌های روستانشینی، شاهد تغییرات و پیامدهای چشمگیری هستیم که نه‌تنها عرصه و حریم ساخت‌وسازهای تاریخی قاجاری، که «ساختار و کالبد»، «فضا و چشم‌انداز» و «ارزش و جایگاه» بناها و یادمان‌های موجود را در هر موقعیت و ریختاری تهدید، متروک، ویران و نابود می‌کند.

بدین ترتیب، باید گفت ساخت‌وسازهای قاجاری چه در گونه‌های متنوع شهری و چه در قالب‌ها و رده‌های متفاوت برون‌شهری غالباً اولین «نماد تاریخ‌شناسانه»، «نمود معمارانه» و «تجلی هنرمندانه» در نگاه افقی و رویارویی مستقیم ما با پدیدارهای مرئی پیرامون هستند. از این گذشته، نهشت‌ها و رسوب‌ها و بقایای زیرسطحی این دوره که عموماً ناشی از مداخله‌ها و برنامه‌های عمرانی دامنه‌دار دوره‌های پسین (خصوصاً روزگار پهلوی) — به‌ویژه در محدوده‌های شهری و به‌طور اخص در پایتخت کشور — بوده و اکنون مدفون و پوشیده شده‌اند، را می‌بایست نخستین لایه فرهنگی زیرسطحی در نمای عمود دیواره گمانه‌زنی‌ها و مقطع قائم کاوش‌گاه‌های باستان‌شناختی در پهنه‌ها، محیط‌ها، مجموعه‌ها، فضاها و مکان‌های مبتنی یا منتهی به دوره قاجار برشمرد. «ترکیب و بافتار» این نهشت‌ها و «برجایی» یا «درجایی» اولیه، ثانویه یا چندباره مواد فرهنگی رگه‌ها و لایه‌های زیرسطحی قاجاری شواهد بکر، توضیح‌پذیر و استدلالی برای تبیین‌های علت و معلولی و بررسی‌های تطبیقی و تأویلی بی‌سابقه‌ای هستند که در

۲. شاهد مثال برای چنین استدلالی که در واقع از مبانی و محرک‌های نگارش این مقاله است را در ادامه، در بخش «مسئله و ضرورت پژوهش» خواهیم دید.

نخستین دولت متمرکز، منسجم و مقتدر ایران پس از دودمان صفوی همچنان موضوع مباحث و همواره محور جستارهای علمی گوناگون بوده است. پژوهشگران در پرتو مضامینی چون «سیاست و تمدن»، «جامعه و اقتصاد»، «دولت و تجارت»، «فرهنگ و هنر» و «شریعت و سلطنت» به بررسی، تحلیل و تفسیر بقایا و منابع اطلاعاتی هر حوزه پرداخته‌اند. انبوه مدارک تاریخی و هنری، خاطرات و مکاتبات، گزارش‌ها و سفرنامه‌ها، منشورها و فرمان‌ها، کتیبه و یادبودها، اسناد تصویری متفاوت (از عکس تا فیلم، نقش تا نقشه، سکه تا تمبر، پیکره تا سنگ‌نگاره، بافته تا ساخته) و به‌طور کلی تمامی آثار موجود مجموعه مواد پژوهشی دوره قاجار و به‌سختی گستره شواهد را با چرخه‌های کوچک و بزرگ معلومات تشکیل می‌دهد.

چیستی، کیستی، چه‌گاهی، چگونگی و چرایی مدارک بازمانده از دوره قاجار و کنشگران گوناگون آن اصولاً بر «تاریخ‌محوری آثار»، «سرگذشت‌نویسی رویدادها و شخصیت‌ها»، «نقل و تفسیر تحولات»، «بازتاب و پاسداشت دستاوردها و تأثیرگذاری‌ها» استوار بوده است. از طرفی، واپسینی زمانه و جامعه و فرهنگ قاجاریان نسبت به روزگار ما و هم‌عصری پژوهشگران با موضوعات پژوهشی این دوره و برابری‌های سوژه‌ای و ابژه‌ای^۷ در تفحص پدیده‌ها و پدیدارهای قاجاری تأکید تاریخ‌شناسانه بر هر پاره از ویژگی‌های این دوران را دامن می‌زند. حتی در عرصه پژوهش‌های هنری دوره قاجار — یا دومین ساحت عمده پس از وقایع‌نامه‌نویسی‌ها(ی توصیفی یا تحلیلی) و تقویم‌نگاری‌های (موردی یا تفصیلی) این دوره که متضمن مجموعه‌ای بسیار متنوع از شواهد مادی بازمانده از روزگار قاجار است — نیز شاهد توجه غالب به سیر تاریخی آثار پیدا، موجود و پیش رو از این دوره هستیم و کم‌ترین نشان و مدرکی یا نازل‌ترین رویکرد و راهبردی را که شامل بقایای زیرسطحی و یادآور زمینه‌ها و ظرفیت‌های برخاسته از کندوکاوهای باستان‌شناسانه برای شناخت دوره قاجار باشد را می‌بینیم (گرابار، ۱۳۸۷).

تقویم‌نگاری‌های پهلوی‌شناسانه بنابه تعیین خاستگاه و تأکید بر فرجام تفاوت‌هایی را دربر می‌گیرد.

۷. سوژه (به فرانسه: sujet، به انگلیسی: subject) و ابژه (به فرانسه: objet، به انگلیسی: object): مشاهده‌کننده و مشاهده‌شونده. شناخت پدیده‌ها در آگاهی حاصل از شک سوژه (وجود مستقل بی‌تردید و شک‌کننده) درباره ابژه (موضوع، پدیده یا ماده بدون وجود مطلق یا مشاهده‌پذیر) ریشه دارد.

مفاهیم نظری برخاسته از نگرش‌ها، نظریه‌ها، مکتب‌ها یا اندیشه‌پردازی‌های معاصر و انطباق یا کاربردشان به منظور تلاش در تبیین باستان‌شناسانه آنها.^۵ تازه، در نمونه‌های موجود از هر دو مقوله هم معمولاً شاهد: — مقدمه‌ها یا درآمد‌های سرگذشت‌نگارانه، — قالب و روند توصیف‌گرای نوشتارها، — گزارش و معرفی صرف شواهد، — گزینش یا تکرار متناوب اطلاعات یا دوره‌بندی‌های تاریخی، — بررسی‌ها و برابرسازی‌های مدنظر میان آثار منتخب (از میان گونه‌های یادشده) با تاریخ‌نویسی‌های کلاسیک یا مرسوم قاجاری با کم‌ترین قصد قیاس و تطبیق تحلیلی یا رهاورد تأییدی، اصلاحی، تکمیلی یا توسعه‌بخش دانسته‌های موجود یا بدون چنین مواردی هستیم.

بنابراین، به نظر می‌رسد طرح موضوع چرایی و چیستی «باستان‌شناسی دوره قاجار» — نه در حد ذکر نام یا استفاده وصفی یا اضافی این ترکیب در عنوان برخی مقاله‌ها، رساله‌ها یا کتاب‌ها یا تضمین زبانی، اصطلاحی یا رویکردی آن در چنین آثاری — که با تأکید بر «باستان‌شناسی کاوش‌محور»، گذشته از دلالت‌های ضمنی بر «کجایی و چگونگی آن»، متضمن تعیین «زمینه‌های عمده و حوزه‌های اصلی» چنین راهبردی و «ترسیم برایندهای مورد انتظار تأثیرگذار» بر تاریخ‌نگاری‌های تفسیری و تأویلی (و نه صرفاً توصیفی و روایی) قاجاریان می‌تواند بود.

مسئله و ضرورت

از پایان حکومت ۱۳۴ ساله قاجارها بر ایران ۹۸ سال می‌گذرد.^۶ دوران بلند حاکمیت و مدت زمان چشمگیر برگزیده از انقضای

۵. این گونه تحقیقی در اغلب موارد متمرکز بر مواد فرهنگی غیرزیرسطحی، آثار موزه‌ای، نمایشگاهی، گنجینه‌ای، مجموعه‌ای، شهرنشینی و نیز معطوف به جستارهای نظری و کتابخانه‌ای در ذیل مباحث تفسیری - تأویلی معاصر است و نه یافته‌های زیرسطحی از رهگذر گمانه‌زنی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناختی. برای نمونه نگاه به: ساریخانی، ۱۳۸۲؛ پاپلی یزدی و دژم‌خوی، ۱۳۹۷.

۶. برتخت‌نشینی رسمی آغامحمدخان (۱۱۵۵ تا ۱۲۱۱ق) در تهران به سال ۱۲۱۰ ق/ ۱۱۷۴خ و خلع احمدشاه (۱۲۷۵ تا ۱۳۰۸خ) از سلطنت با تصویب مجلس شورای ملی در نهم آبان ماه ۱۳۰۴خ/ ۱۳۴۴ق دوره‌ای ۱۳۴ ساله را با تاریخ قمری و ۱۳۰ ساله را با تاریخ خورشیدی شامل می‌شود. بازه زمانی طلوع و غروب سلسله قاجار در تاریخ‌نویسی‌های قاجاریزوهانه و

بازنگری در محورها، مرور مراحل، رفع کاستی‌ها و تدارک بهینه برای گردهمایی اصلی را دربر داشت. این گام‌ها نیز به هیچ‌وجه متضمن کم‌ترین توجهی به اهمیت و تأثیر «باستان‌شناسی» در شناخت «هنر دوره قاجار» — آن هم به‌ویژه از سوی اولیای وقت پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و پژوهشکده باستان‌شناسی — نبود. مثلاً، در نشست تخصصی مورخ ۱۳۹۷/۶/۲۱ در کاخ موزه گلستان^۸، رییس وقت «پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری» ضمن صحبت‌های خود با طرح موضوع «چاپ سنگی» در دوره قاجار خواستار توجه دبیر علمی همایش به موضوع و پرداخت مباحثی درباره آن شد.

بدین ترتیب، نه‌تنها در مراحل شکل‌گیری و تعیین محورهای پژوهشی برای «همایش ملی هنر ایران در دوره قاجار» نگاهی اصولی و نگرشی منطقی از سوی مهم‌ترین نهاد پژوهشی میراث فرهنگی ایران به ضرورت مقوله «باستان‌شناسی» و رهاوردهای آن در تبیین و تفسیر هنر دوره قاجار نشد، بلکه در سیر مراحل چندگانه زمان‌بندی‌شده برای «همایش» (از دریافت چکیده تا اصل مقاله‌ها، پذیرش آثار غیرنوشتاری، تشکیل نشست‌های پیش‌همایش یا جلسه‌های تخصصی، برپایی نمایشگاه‌ها و برگزاری همایش نهایی) نیز ظاهراً هیچ مدخل و جایگاهی برای «باستان‌شناسی» لحاظ نشده و بارقه یا پرتویی هم بر ذهن برگزارکنندگان خطور نکرده بود.

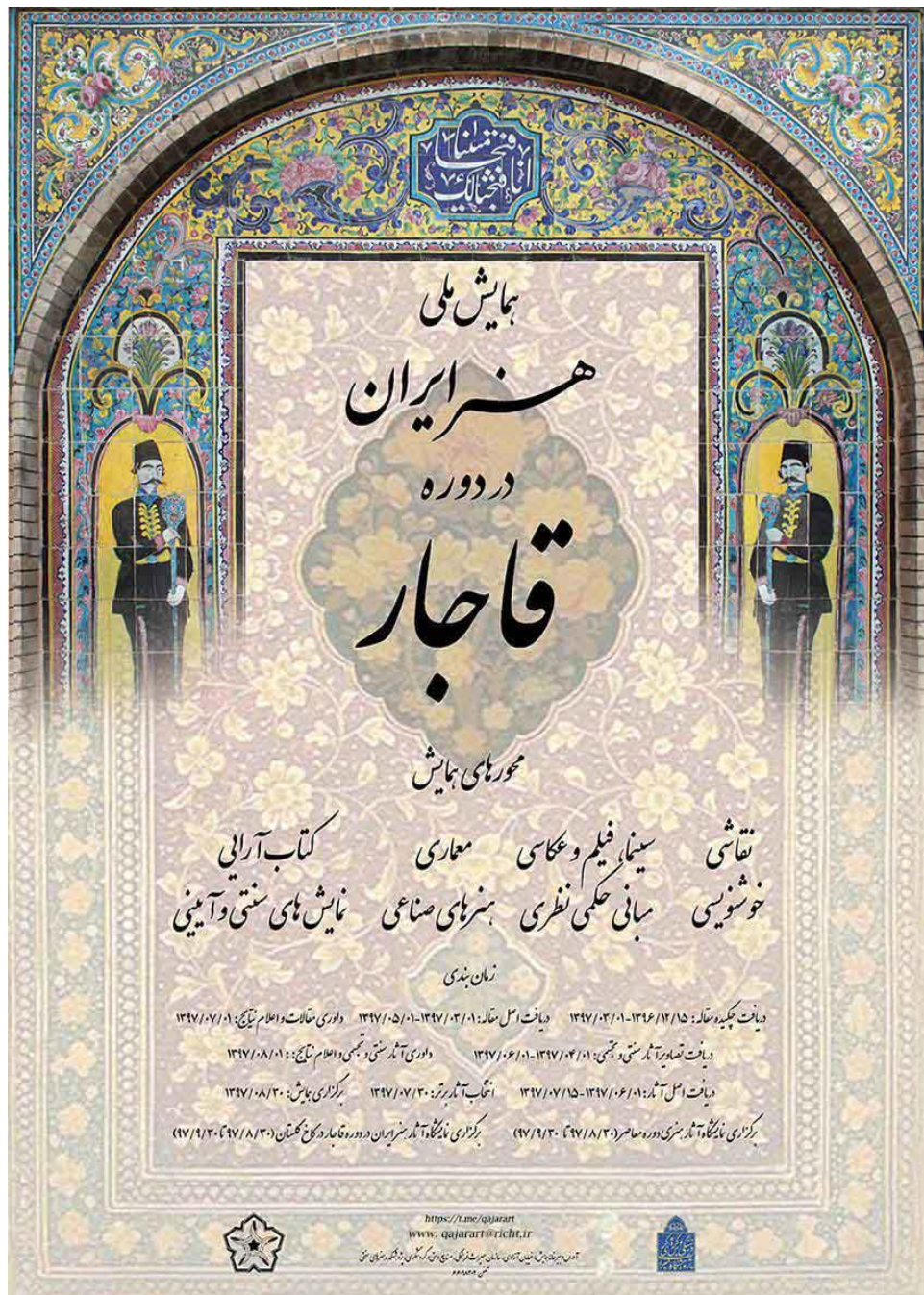
این‌همه در حالی است که «باستان‌شناسی» در ایران چه در ساحت «آموزش و تعلیم» و چه در عرصه «بازدهی و ترویج» همواره پسوند ترکیبی یا درون‌مایه مفهومی — کاربردی «تاریخ هنر» را در عنوان یا مضمون (ولو با تحمیل سلیقه‌های نابه‌جای مقطعی برای جداسازی این دو) با خود داشته است. در واقع، «باستان‌شناسی» بدون توجه به «تاریخ هنر» از ظرفیت‌های

۸. این رویداد همزمان با نمایش آثار بازگشته از «نمایشگاه امپراطوری گلپای سرخ در موزه لوور شهر لانس فرانسه» در زمرة یکی از نشست‌های تخصصی «همایش ملی هنر ایران در دوره قاجار» بود که در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۹۷ در فضای باز جنوب صحن مرکزی مجموعه فرهنگی تاریخی کاخ گلستان برگزار شد و دو سخنرانی را با عنوان «هفت منظر نمادین در شبیه‌خوانی ایرانی» (اردشیر صالح‌پور) و «سیر تحول حصار تاریخی تهران» (محمدجواد مهدوی‌نژاد) را با رونمایی کتاب تکیه دولت (علیرضا قاسم‌خان) دربر داشت. سخنرانی مهندس سیدمحمد بهشتی، رییس وقت پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، و مشاور وی، سید احمد محیط طباطبایی، گفتارهای مکمل نشست یادشده بودند.

با این‌همه، رویارویی با واقعیت‌های تطوری دویست‌وپنجاه سال اخیر در تمامی عرصه‌های اجتماعی ایران‌زمین و نگرش‌های ژرف‌تر بر پیچیدگی‌های مضمونی، روابط علت و معلولی و زمینه‌ها و روندهای تحولی رویدادها در کنار برجاماندن نهشت‌ها و لایه‌های قاجاری در بافت‌های باستان‌شناختی محوطه‌ها، شهرها و بناها و مجموعه‌های تاریخی طرح رویکردی پیشین‌پژوهانه را با عنوان «باستان‌شناسی دوره قاجار» و بهره‌گیری از نتایج آن را در شرح و بسط جستارها بایسته و گاه ناگزیر می‌سازد.

از طرفی، با توجه موشکافانه به مفاد برنامه‌های راهبردی در بستر پویای علمی دستگاه میراث فرهنگی یا ارزیابی تحلیلی محتوای رویدادهای برخاسته یا وابسته به آن و درک چارچوب‌ها و ترکیب‌بندی‌های مضمونی مرتبط، به کاستی‌های آشکار و نارسایی‌های پیدا و چه‌بسا تناقض‌هایی معنادار در معادله میان «ظرفیت»، «کارکرد» و «برون‌داد» دستاوردها پی‌می‌بریم. مصداق بارز و شاهد مثال چنین استنباطی و در واقع دلالت مشهود مبتنی بر واقعیت گذشته، گردهمایی فراگیری است که پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری به سال ۱۳۹۷ با عنوان «همایش ملی هنر ایران در دوره قاجار» برگزار کرد. باوجود محورهای یادشده در اعلان همایش (شکل ۱) یعنی «نقاشی»، «خوشنویسی»، «سینما، فیلم و عکاسی»، «مبانی حکمی و نظری»، «معماری»، «هنرهای صناعی»، «کتاب‌آرایی»، «نمایش‌های سنتی و آئینی» — هرکدام با زیرمحورهای چندگانه — و به‌رغم نمودار تشکیلاتی «پژوهشگاه» (مشمول بر پژوهشکده‌های پنجگانه)، نشانی از توجه برگزارکنندگان به یکی از اصلی‌ترین بخش‌ها، واحدها یا پژوهشکده‌های متبوع که همانا «باستان‌شناسی» است و کارکردهای تأثیرگذار آن بر شناخت، تفسیر و معرفی شواهد و یافته‌های زیرسطحی از دوره قاجار و از جمله «بقایای هنری و دستاوردهای آن» نمی‌بینیم. این‌همه را نمی‌توان از «ضعف بینش» و نیز از «غفلت و مسامحه» دست‌اندرکاران همایش و متولیان وقت «پژوهشگاه» و «پژوهشکده باستان‌شناسی» جدا دانست.

گواه مکمل بر چنین چشم‌انداز تفسیرپذیری در گذار میان «اعلام و فراخوان» همایش از یک‌سو و «برپایی و برگزاری» آن از سوی دیگر، تشکیل نشست‌های پیش‌همایش و اطلاع از مباحث طرح‌شده در آنهاست که در واقع به‌طور مستقیم نقش طرح مبسوط‌تر موضوع‌های تخصصی و به‌طور غیرمستقیم زمینه



شکل ۱. دیوارکوب برنامه علمی - ترویجی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری در سال ۱۳۹۷ با عنوان «همایش ملی هنر ایران در دوره قاجار» با اعلام محورهای موضوعی همایش که نظر به فراگیری مضمون‌هایی چون «ملی»، «هنر» و «دوره قاجار» و باتوجه به ساختار تشکیلاتی دستگاه بانی یا نهاد برگزارکننده آن، جای خالی «باستان‌شناسی» بنابه ظرفیت‌های رویکردی و محتوایی در شناسایی، ارزیابی و معرفی آثار هنری دوره قاجار کاملاً خالی و محل نقد است.

عرصه پژوهشی بکر و مکملی را برای تلاش‌های قاجارپژوهی شکل می‌دهد و از سوی دیگر موجب

۱. «تبیین علت‌ها و هدف‌های باستان‌شناسی دوره قاجار».
۲. «توجه علمی به واقعیت نهشت‌ها، رگه‌ها و لایه‌های تاریخی زیرسطحی و ناپیدای روزگار قاجاریان و معرفی روشمند آنها» و
۳. «پژواک نقش و تأثیر زمینه‌ها و دستاوردهای باستان‌پژوهی قاجارشناسانه»

در شناخت ژرف‌تر متأخرترین دوره تاریخی ایران با ۱۳۴ سال بازه فرهنگی (تا پیش از زمانه پهلوی‌ها) در پایتخت کشور می‌شود. بر این اساس، نگرش و پردازش مطرح در این مقاله را باید نخستین آسیب‌شناسی موضوعی و غربالگری مضمونی بر محور تبیین اهمیت و بازتاب اعتبار «باستان‌شناسی دوره قاجار» تلقی کرد.

باستان‌شناسی و بایستگی‌های معاصرش

در مقایسه با دیرینگی، سرگذشت، سیر تحول و دامنه تأثیرگذاری علمی چون فلسفه، تاریخ، جغرافیا و انسان‌شناسی، باید گفت باستان‌شناسی به مفهوم امروزی، به‌ویژه در گفتمان هفت دهه اخیر، و در چارچوب معرفتی رایج رویکردی جدید، دانشی نوپا و رشته‌ای بسیار وام‌دار به رشته‌ها و شاخه‌های دیگر علمی است. حتی با گسترش دایره پیشینه‌شناختی باستان‌شناسی به

- فرضیه‌های پراکنده فیلسوفان و متفکران پیشگام (مگی ۱۳۸۸: ۱۲ تا ۱۸، ۲۰، ۲۳ و ۸۸؛ نصر ۱۳۹۱: ۱۲۵ تا ۱۲۹)،
- کنجکاو‌های مقطعی و اشتیاق زودگذر حاکمان (رو، ۱۳۶۹: ۲۶۵-۳۶۳؛ ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۶۹: ۳۸۲ و مجیدزاده، ۱۳۷۶: ۳۶۱-۳۶۲؛ بان، ۱۳۹۴: ۱۳، ۲۱ و ۲۳؛ تریگر، ۱۳۹۴: ۱۳۵)،
- ماجراجویی‌های تمام‌نشدنی گنج‌یابان (ورکوتر، ۱۳۶۸؛ بان، ۱۳۹۴: ۲۴؛ Ceram, 1970: 308)،
- تفنن‌های اعتبار‌آورد شیف‌تگان در روی‌آوری به آثار و گنجینه‌های باستانی (ملک‌شهمیرزادی، ۱۳۶۹: ۳۷۷ و ۳۸۸؛ بان، ۱۳۹۳: ۴۹ تا ۵۳؛ ۱۳۹۴: ۱۴ و ۲۴)،
- پیگردی‌های دور و دراز وقایع‌شناسان تاریخی (بان، ۱۳۹۴: ۲۴؛ Ceram, 1970: 307-308)،
- غیرت و تعصب تفحص‌گران مذهبی در جستجو، شناخت و اثبات رخدادها و روایت‌های دینی (دارک، ۱۳۸۷: ۶؛ بان، ۱۳۹۳: ۱۴)،
- رهاوردهای خودآگاه یا ناخودآگاه استعمارگران خودکامه (مانند لشکرکشی ناپلئون به مصر و پیامدهای علمی آن؛ تریگر، ۱۳۹۴:

موضوعی، توضیحی و تفسیری خود می‌کاهد و مخاطب «تاریخ هنر» نیز فارغ از «باستان‌شناسی» به درک سیر تحول آثار باستان‌شناختی و آنچه از نهشت‌ها و لایه‌ها نبش و کشف می‌شود، نائل نمی‌گردد و مهم‌تر اینکه از ارزیابی روند تفکر، گونه‌های نگرش و بازتاب‌های متنوع بارزهای هنری مشهود در تولید دست‌ساخته‌ها و یادمان‌های پیشینیان هم بازمی‌ماند.

در نتیجه، در بایستگی توجه و سودمندی طرح «باستان‌شناسی دوره قاجار» با مؤلفه‌های استدلالی و زمینه‌های مستندمحور نه تنها تردیدی نیست، که موضوع آن به‌ویژه از رهگذر چینش‌های مفهومی و علت‌شناسی پیش‌گفته، برای نخستین بار و به‌طور نظام‌مند، متضمن چنین ویژگی‌هایی است:

۱. دلالت‌هایی برای بازنگری‌های فکری در ساختار و محتوای پژوهش‌های میدانی (کندوکاوه‌های روشمند در بافت‌های درون و برون شهری) و برنامه‌های ترویجی (همایش‌ها و نمایشگاه‌ها)،

۲. انگیزه‌هایی برای تغییر نگرش‌های عرفی بازدارنده یا دیدگاه‌های سنتی غافل‌مانده از امکان‌ها و برایندهای «قاجارپژوهی» مبتنی بر «باستان‌شناسی» و

۳. چارچوب‌هایی برای برنامه‌ریزی‌های تحولی و تلنگر‌هایی بر بینش و روش بدنه اجرایی در لایه‌های مدیریتی و کارشناسی.

روش

عنوان، موضوع و دست‌مایه‌های محتوایی این مقاله با ابتناء بر ظرفیت‌های دوگانه عملی و نظری پیش روی نگارنده، طرح و پرداخت شده است. نخست، مشاهده‌ها و تجربه‌های مستقیم میدانی‌ام طی حضور و سابقه ۲۵ ساله کارشناسی در دو حوزه رسمی اداری - مدیریتی («میراث فرهنگی استان تهران» و «پژوهشکده باستان‌شناسی پژوهشگاه میراث فرهنگی») و پژوهشی - اکتشافی رویارو و به‌تدریج متمرکز بر باستان‌شناسی «شهر» و «دشت تهران» که گذشته از دستاوردهای خرد و کلان میدانی، زمینه‌های فکری قبض و بسط‌پذیر تفسیری را برای «شناخت روندها و رویه‌ها» و «بازنگری رویکردها و راهبردها» فراهم می‌آورد.

دوم، برایندهای نظری مبتنی بر چالش‌های فکری برآمده از رهگذر وارسی و تأنق در پیستی، چرایی و چگونگی تفحص‌های باستان‌پژوهانه در محوطه‌ها، آثار و بافت‌های قاجاری تهران (اعم از شهر و دشت) و تنگناها و توانش‌های آن که از یک‌سو

۱۱۲: 310 (Ceram, 1970) و

- آزمون و خطاهای پرشمار و پویش‌های یادمانی باستان‌شناسان پیشرو (دارک، ۱۳۸۷: ۸-۶؛ بان، ۱۳۹۳: ۲۴۱-۲۴۷؛ ۱۳۹۴: ۲۴-۲۷؛ تریگر، ۱۳۹۴: ۱۲۶-۱۱۲؛ Ceram, 1970: 311-314؛ Renfrew and Bahn, 1991: 19, 22, 23, 26-31).

بازهم باستان‌شناسی همپای سابقه، انسجام، ساختار و سیر تطور علوم پیش‌گفته نخواهد شد (مصدقی‌امینی، ۱۳۹۴: ۹۲). با این‌همه، ظرفیت مفهومی و فراخ‌نای نظری و توان راهبردی باستان‌شناسی چنان نشر و بسط یافته که اکنون شاهد وام‌گیری‌های اصطلاحی یا مضمونی دانش‌های پیش‌تاز از باستان‌شناسی هستیم.^۹

امروزه «باستان‌شناسی» در میان رشته‌ها و تخصص‌های گوناگون پیشین‌پژوهی، گذشته‌شناسی و تقویم‌نگاری‌های توضیحی و تحلیلی دوره‌ها، مراحل و سیر دگرگشت‌های فرهنگی و اجتماعی انسان و جامعه او پایگاهی جاافتاده، موجه، مستقل، منحصر به فرد با مبانی استوار و مبادی روشمند دارد. «باستان‌شناسی» در تعریفی کوتاه و گویا «پژوهش و شناخت گذشته با استفاده از مدارک مادی به‌جامانده از فعالیت‌های آدمی» است. با این‌بازنمود می‌توان رهیافت‌های باستان‌شناختی را در بررسی و درک پدیده‌های امروزی نیز به کار گرفت. در واقع، وقتی بدانیم تمامی رویدادها بی‌درنگ پس از وقوع به گذشته می‌پیوندند، قلمرو باستان‌شناسی به همه گذشته تا حال بسط‌پذیر خواهد بود (بان، ۱۳۹۴: ۱۲، ۱۳ و ۱۹).

نگرش و تفسیر باستان‌شناختی در باب اشیاء، ساختارها و پدیدارها و به‌طور کلی به آثاری که محصول بینش‌ها، روش‌ها، وردش‌ها^{۱۰}، کنش‌ها و زیست‌ورزی‌های انسان حتی در محیط پیرامون و روزگار کنونی ماست از اطلاعاتی که از بررسی، شناسایی و کاوش محوطه‌های باستانی دوران پیش‌تاریخ به دست می‌آید، کم ارزش‌تر یا دست‌کم‌تر نیست. همه بقایا و آثار دیروز و امروز انسانی مجموعه «بقایای مادی» و به تعبیر

باستان‌شناختی «آثار فرهنگی»^{۱۱} را تشکیل می‌دهد. پردازش‌های متناوب تفکیکی (نوع و گونه)، اختصاصی (مختصات هندسی و ریاضی)، توصیفی (ساختاری و محتوایی) و توضیحی (نقش و کارکرد) داده‌پردازی‌های چندگانه و مرحله‌به‌مرحله را از اولیه تا نهایی و تدوین اطلاعات را برای تبیین دانسته‌ها به دنبال می‌آورد.

تمامی کنشگران انسانی در دوران‌های پیش‌تاریخ، تاریخی و اسلامی در پس عملکردهایی که از آنها در زمینه‌هایی چون سکونت، معیشت، اقتصاد، امنیت، فناوری، تجارت، سیاست و نظامی‌گری سراغ داریم، اصولاً به انطباق اجباری / ناخودآگاه یا اختیاری / خودآگاه با زیست‌بوم، مهار و اداره متغیرهای پیرامونی و تسلط بر محیط و بهره‌برداری از دستاوردها در جهت کسب موقعیت بهینه و حفظ و استمرار رو به توسعه آن پرداخته‌اند. اگرچه توضیح و تفسیر واقعیت پیش‌گفته از پژوهش‌های بنیادی و مباحث پر دامنه در حوزه تخصص‌های دوران پیش‌تاریخ و از جستارهای کمرمق در عرصه بررسی‌های دوران تاریخی ایران است، درباره دوران اسلامی و به‌ویژه مراحل پسینی آن چون دوره قاجار به اشاره‌های محدود، کلیات مبهم و گذرهای بی‌دنباله و گزاره‌های نامشروح محدودیم. این واقعیت در برون‌دادهای همایشی، گزارشی، مقاله‌ای یا انتشاراتی پژوهشگاه میراث فرهنگی نمودی بارز دارد.

ورود باستان‌شناسی به مباحث دوران‌های تاریخی یا اسلامی یا حتی به عرصه شناخت و تحلیل دگرگونی‌های فرهنگی زمانه معاصر گاه با این استدلال مواجه است که این دوران‌ها یا رویدادهای نزدیک به ما به خاطر وجود منابع مکتوب بخشی عمده از بار سنگین مستندها، داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز را پیشاپیش در اختیار باستان‌شناس می‌نهد و ضریب اطمینانی بیشتر برای نتیجه‌گیری‌های او فراهم می‌آورد. اما، چنین نظری برداشتی تام و تلقی تمامی نیست. باوجود مدارک بیشتر، در

۱۱. Material Culture یا مواد فرهنگی. در این اصطلاح باید به همزمانی پیدایی «انسان» و «فرهنگ»، پیوستگی وجودی آنها به هم در گذر زمان، نگاه به فرهنگ از دریچه «انطباق فراتنی انسان با محیط»، تعریف آن بر اساس دایره دست‌ساخته‌ها، باورساخته‌ها، پدیدارها و نمادسازی‌های انسانی توجه کرد و اختصاص این همه را به آدمی، و نه سایر موجودات، مهم و در تبیین‌ها و تفسیرهای باستان‌شناختی لازم و بایسته شمرد. از طرفی، وقتی هدف و کارکرد فرهنگ را «تأمین امنیت و استمرار زندگی انسان» در نظر گیریم، «باستان‌شناسی» سنت‌ها و سازوکارهای گوناگون فراتنی حفظ و دوام هستی آدمی را در سیر زمان برای ما آشکار می‌کند.

۹. شاید مناسب‌ترین مثال و شناخته‌شده‌ترین نصیب از مفهوم و کارکرد باستان‌شناسی را در نام کتاب پل میشل فوکو (۱۹۲۶ تا ۱۹۸۴م)، فیلسوف، مورخ علم، نظریه‌پرداز اجتماعی و منتقد ادبی فرانسوی، با عنوان *باستان‌شناسی علم بیابیم* (Foucault, 1969; 2002). فوکو در این کتاب که در ایران با عنوان *دیرینه‌شناسی دانش* (فوکو، ۱۳۹۲) منتشر شده با استفاده از دلالت‌های مفهومی باستان‌شناسی به بیان دیدگاه‌هایش درباره علم می‌پردازد.

10. Variation

– بازبایی نهشت‌های به‌جامانده از دوره‌های آبادانی و مقاطع تخریب و نوسازی شهر، محله، حومه، شبکه معابر و فضاهای باز و بسته پیوسته و وابسته،^{۱۳}

– مستندنگاری لایه‌ها و بافت‌های فرهنگی دال بر حضور و مداخله کنشگران سیاسی، عناصر تأثیرگذار حکومتی و شخصیت‌ها یا قشرهای اجتماعی و فرهنگی،^{۱۴}

– بررسی و طبقه‌بندی دست‌ساخته‌های گوناگون — به‌ویژه سفال — و تبیین سیر تحول فنی و هنری آنها،

گذشته از آنکه بدون نمود باستان‌شناختی در محوطه‌ها، لایه‌ها و بافت‌های استقراری محدوده‌ها و شهرهای واجد شواهد تسلسل آثار دوره‌های پیش و پس قاجاری نیست، منجر به یافته‌ها و پردازش اطلاعاتی خواهد شد که تاکنون در دسترس نبوده است. به سخن دیگر، در پرتو آنچه گفتیم قاجارشناسی متفاوت و چه‌بسا واقع‌گرایانه‌تری از توصیف‌های تکراری و نوشته‌های حسرت‌آور^{۱۵} درباره روزگار و تاریخ، تمدن و سیاست، اقتصاد و تجارت و جامعه و فرهنگ قاجاریان در اختیار خواهیم داشت.

۱۳. در کنار نوشته‌های پراکنده تاریخی، مهم‌ترین، اساسی‌ترین، در دسترس‌ترین و سودمندترین مدارک ناظر بر گردآوری، شرح و تدوین آن دسته از دگرگونی‌هایی را که در بند یادشده و در سه بند پیشین آن برشمردیم، باید از منابع پژوهشی بازنگرانه در حوزه بررسی‌های معمارانه و واکاوی‌های شهرسازانه به‌دست آورد. مجموعه‌ای از چنین جستارهای ارزشمندی را در کتاب *تهران پایتخت دویست‌ساله* (عدل و اورکاد، ۱۳۷۵) می‌توان یافت، از جمله مقاله‌های:

– «باغ مسکونی یا تهران در گذشته‌های دور؛ از پیدایش تا عهد صفوی»، شهریار عدل،

– «تهران درون حصار، از صفویه تا آغاز پهلوی»، محمدرضا مقتدر،

– «تحول شهر تهران در عهد ناصری»، جان دی. گرنی،

– «تحول و گسترش تهران در زمان رضاشاه»، سیدمحسن حبیبی،

– «نامگذاری کوچه‌ها و خیابانها در تهران دیروز و امروز»، محمدحسین پاپلی یزدی.

۱۴. از نظر پدیدارشناسی فرهنگی برخی آثار، رویدادها و بقایای مادی موجود از گذشته تهران غالباً با روایت‌های منقطع تاریخی و نوشتارهای جدا از هم و مدارک تبیینی ناهمپوشان از لحاظ توضیح‌ها و تحلیل‌های تطوری مواجهیم. به نظر می‌رسد مرور و بررسی نمونه‌های شاخص یا متأخر چنین منابعی — مستقیم و غیرمستقیم — در مسئله‌شناسی و طراحی عنوان و چارچوب «باستان‌شناسی دوره قاجار» تأثیرگذار و در صورت‌بندی‌های برآمده از استدلال‌های اثباتی و ایجابی برای طرح این رویکرد مبرم، کارآمد باشد. نگاه به تکمیل همایون، ۱۳۷۸؛ ۱۳۸۷؛ ۱۳۹۴.

15. nostalgic

دسترس‌تر، مدون‌تر و به ظاهر واقع‌گرایانه‌تر دوران‌های یادشده خود مورخان دوره‌ها یا تاریخ‌نگاران پس از آنها به خوبی می‌دانند که در بررسی منابع مکتوب باید متوجه گرایش‌ها، کم‌دقتی‌ها، کلی‌گویی‌ها، نادیده‌انگاری‌های خرد و کلان، نارسایی‌های نظری و عملی و تفاوت‌های بینشی و روشی در تبیین و تفسیر عملکردها و رویدادها و به‌طور کلی در روایت‌های مکتوب کنشگران عرصه تاریخ بود (بان، ۱۳۹۴: ۱۸-۱۷). در نتیجه، پژوهش‌های باستان‌شناسی در بافت‌های تاریخی، اسلامی و معاصر نه تنها آسان‌تر، راحت‌تر و امن‌تر نیست بلکه دقت، دوراندیشی و هوشیاری باستان‌شناس را برای آزمون و محک «یافته» با «نوشته» و «دیده» با «خوانده» و نیز ارزیابی مقایسه‌ای او را برای «سنجش و تفسیر» می‌طلبد.

به هر روی، ندانستن جزء یا کل آنچه در گذشته — و حتی در گذشته اخیر یا معاصر — اتفاق افتاده، هم حقیقتی انکارناپذیر و هم واقعیتی همچنان جاری است. بنابراین، برای پژوهش‌های باستان‌شناسی نمی‌توان پایانی قائل شد. تفحص‌ها، یافته‌ها و داده‌های باستان‌شناسی روایت‌های معمول، رسمی و تکرار شده درباره گذشته را در بوتۀ تجربه بی‌واسطه و مشاهده مستقیم نهشت‌ها، لایه‌ها و بقایا تغییر داده و توضیحی روشن‌مند و تفسیری متقاعدکننده را پیش روی ما می‌گذارد. با این دیدگاه به نظر می‌رسد بازنگری رویدادها، ریشه‌یابی علت‌ها و زمینه‌شناسی روندهای تاریخی و تطوری چون:

– برافتادن زندیان و برآمدن قاجاریان،^{۱۶}

– شناسایی تطبیقی الگوهای استقرار در پیش، حین و پس برکشانی تهران به پایتختی،

– بازنمایی شواهد میدانی تحول تهران از روستا به شهر و سپس به تختگاه سلطنتی یا مقر حکومتی،

– ارزیابی گسترش فضایی و کالبدی پایتخت و ظرفیت‌سازی‌های چندباره برای آن طی دوره قاجار،

۱۶. ظهور و سقوط حاکمان و طلوع و غروب حکومت‌ها از مضمون‌های مهم و رایج در منابع تاریخی و از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر دگرگونی‌های فرهنگی به‌ویژه در بررسی و تحلیل دوره‌های تاریخی و اسلامی است. بنابراین، در واری‌های باستان‌شناختی دوره قاجار توجه به برهه و بازه زمامداری هریک از شاهان قجر و درک بارزهای خاص «اجتماعی و استقراری»، «سیاسی و نظامی‌گری» و «اقتصادی و ارتباطی» زمانه آنها بر شناخت، قیاس، معرفی، توضیح و تحلیل مواد فرهنگی زیرسطحی حاصل از بافت‌های قاجاری مؤثر خواهد بود (ورهرام، ۱۳۶۸: ۹۰ تا ۱۸۹؛ ۱۳۸۵: ۴۴ تا ۴۹ و ۵۰ تا ۸۷).

باستان‌شناسی دوره قاجار

شکل‌گیری، تنوع و تطور فرهنگ‌ها و برون‌دادهای تاریخی، ساختمانی و هنری آنها نتیجه «کنش‌ها»، «انتخاب‌ها» و «انطباق‌ها»ی آدمی در زیست‌بوم‌های متفاوت است و مادام که حیات بشری ادامه دارد، بنابر متغیرهای یادشده شاهد برخی یگانگی‌های مبنایی و شمار افزون‌تری از چندگانگی‌های محیطی - کارکردی با نمودهای متفاوت زمانی و گاه‌شناختی خواهیم بود. آنچه به اختصار در تعریف «باستان‌شناسی» گفتیم و از سیر تحولی و توان تحلیلی آن و دامنه پژوهش‌هایش از دوران پیش‌از تاریخ تا روزگار معاصر تبیین کردیم و با واقعیت‌نهیشت‌ها و لایه‌های بازمانده از رفتارهای فرهنگی و نیز طرح برخی مصداق‌های موضوعی پی‌گرفتیم، مبنایی است برای پرداختن به «باستان‌شناسی دوره قاجار» و اذعان بر زمینه‌های پژوهشی این رویکرد فرهنگ‌شناسانه با یافته‌ها، داده‌ها و دانسته‌های نوآورانه و اطلاعات مکمل برای دیگر حوزه‌های قاجارپژوهشی. بایستگی‌های عینی و ذهنی این نگرش پیشین‌پژوهانه به‌طور خلاصه عبارت است از:

۱. وجود رگه‌های زیست‌انسانی، لایه‌های استقرار موقت یا دائم، بقایای مادی گوناگون در انواع و رده‌های متفاوت گاه با بارزهای معلوم و زمانی با ناشناختگی‌های محتمل و در یک کلام حضور دوره‌های پیشاقاجاری در محدوده‌ها، مجموعه‌ها، مکان‌ها و محوطه‌های قاجاری: چنین آثاری با نوع، حجم، ضخامت و گستره متفاوت، نسبت متغیر دست‌خوردگی یا دست‌نخورده‌گی‌های انسانی هم‌زمان^{۱۶} یا در زمان^{۱۷}، اختلاف در تأثیر فرسایش‌های طبیعی، اندازه انطباق با مدارک تاریخی، میزان پیوستگی با یافته‌های هم‌جوار، درجه ارتباط بافتاری با شواهد پیش و پس خود و به‌طور کلی تناسب‌های کارکردی از لحاظ روابط درون‌سیستمی و برون‌سیستمی مدارکی بنیادین و کاربردی برای بازشناسی باستان‌شناسانه فرهنگ‌های پیشاقاجاری هستند. شواهدی از این دست متغیرهایی تأثیرگذار در بررسی، شناخت و تحلیل آثار فرهنگی دوره قاجار و تعیین مستند توالی‌های «فرهنگی و گاه‌شناختی»، «تاریخی و اجتماعی»، «هنری و فنی» نیز به شمار می‌آید. این‌همه را می‌توان مبنایی برای توضیح و تحلیل مراحل شکل‌گیری و سیر

آغازین دوره قاجار و چه‌بسا روندهای پی‌آیند آن برشمرد. از طرفی، رسیدن به آثار پیشاقاجاری و اطلاع از چندوچون توصیف و توضیح آنها در محوطه‌هایی با توالی گاه‌شناختی منتهی به یا مشتمل بر دوره قاجار بدون برش، برداشت و گذر از بافت‌های زنده یا تاریخی‌شده و لایه‌های بکر یا دست‌خورده قجری ممکن نخواهد بود و این خود رویارویی باستان‌شناسانه مستقیمی است با اشیاء و پدیدارهای قاجاری.

۲. توجه به آثار و نهشت‌های فرهنگی مدفون، زیرسطحی و ناپیدای دوره قاجار که چه در زمان حیات آلی، برهه پویایی و مدت کارکردشان و چه پس از آن در دوره یا طی دوره‌های بعد یعنی پهلوی و جمهوری اسلامی بنابه حادثه، ضرورت، احتیاج، تحولات (یکباره یا تدریجی) یا ضمن یا در چارچوب طرح‌های توسعه در زیر، پائین یا پیش لایه‌ها و دوره‌های پسینی قرار گرفته‌اند. در بیان چرایی شکل‌گیری این گونه نهشت‌ها باید به دو مؤلفه تأثیرگذار اشاره کرد:

الف. دلایل جبری چون رویدادهای طبیعی (سیل، لرزش، رانش و شکست پوسته یا صفحه زمین) یا اتفاق‌هایی که ذیل حوادث قهری، تصادف‌های ناخواسته و پیشامدهای ناگهانی برآمده از سازوکارهای طبیعت و زیست‌بوم یا پدیده‌های فراگیری مانند جنگ، آتش‌سوزی یا شیوع بیماری‌های همه‌گیر طبقه‌بندی‌پذیر است.

ب. نیازها، پیش‌نیازها یا برنامه‌های اختیاری مانند ساماندهی، بازسازی، نوسازی، تغییرات اصلاحی، بهینه‌سازی‌های زمانی، پایان عمر مفید، رسیدن به انتهای دوره بهره‌برداری یا به مرحله‌ای دیگر از سیر تطور، خروج از دید مرئی و تبدیل شدن به بقایایی بسته، نهان یا پوشیده. از نظر بافتاری در کاوش، واریسی و شناسایی این‌همه عموماً با دو وضعیت ثبات، اصالت، دست‌نخورده‌گی، به‌هم‌نریختگی و اولیه‌بودن لایه و بافت یا تغییر، دست‌خورده‌گی، بهم‌ریختگی و ثانویه‌بودن شواهد — هر کدام با زمینه‌ها یا عوامل هم‌زمانی یا در زمانی مربوط به خود اما مهم در توصیف، تحلیل و توضیح‌شان — مواجه‌ایم.

واقعیت دیگر اینکه، تحقق میدانی «باستان‌شناسی دوره قاجار» در شهرها و فضاها هم‌چنان مسکون، بافت‌های زنده یا یادمان‌های در حال بهره‌برداری‌های فرهنگی، تجاری، مذهبی یا همگانی معمولاً در پی فرصت‌های غالباً کم‌شماری است که از رهگذر اجرای پروژه‌های گاه‌به‌گاه مرمتی یا

16. synchronic
17. diachronic

تنوع مباحث و دیدگاه‌ها در باستان‌شناسی، جستارهای نظری دیگری را در بررسی دوره قاجار و تفحص فرهنگ مادی آن به میان می‌کشد. به نظر می‌رسد مجموعه اسناد قاجارپژوهی تاکنون با وجود فراوانی تعداد، گوناگونی عنوان و بسامد مطلب همچنان از تلاش‌های منسجم، مدارک مدون و پژوهش‌های دنباله‌دار در زمینه‌هایی چون باستان‌شناسی منظری با سه رویکرد طبیعی، مصنوعی و اجتماعی، زیست‌بوم‌شناسی فرهنگی (با شاخه‌های اقتصاد معیشتی، مبادلاتی و سیاسی)، زیست‌بوم‌شناسی تاریخی، هنجاری و تطوری و از این قبیل محروم مانده باشد. تحقق چنین پژوهش‌هایی فقط به اجرای کاوش‌ها و دستیابی به یافته‌های زیرسطحی منحصر نمی‌شود. محدودیت‌هایی که در برابر این گونه فعالیت‌های میدانی پیش روی باستان‌شناسان است از یک‌سو و مدارکی که از رهگذر بررسی اسناد تاریخی، واریسی اطلاعات و آثار منتشرشده و حضور در فضاها، بافت‌ها و محیط‌های موجود و مشاهده آثار و شواهد معلوم می‌توان گردآورد از سوی دیگر، در چارچوب دیدگاه‌ها و نظریه‌های قبض و بسط‌پذیر مینایی برای پژوهش‌هایی از آن دست که گفتیم می‌تواند بود.

گذشته از بایستگی‌های نگرش باستان‌شناسانه به دوره قاجار که متکی به شواهد انکارناپذیر مادی در نهشت‌ها و لایه‌های زیرسطحی و بقایای پیدا و پیش رو و پیامد باقی‌ماندن آثار کنشگری‌های گوناگون فرهنگی قاجاریان است، «باستان‌شناسی قاجار» به لحاظ بینش و ادراک در بادی امر با مباحثی از گونه «درآمد»، «ساختار» و «اجرا» رو در روست.

برداشت‌ها، تنگناها و آسیب‌ها

بارزترین دریافت‌های میدانی از «باستان‌شناسی دوره قاجار» را با توجه به نهشت‌گذاری‌های فرهنگی، پدیدارهای باقی‌مانده، دست‌ساخته‌های پراکنده در بستره‌ها^{۱۸} و لایه‌های فرهنگی زیرسطحی یا به نمایش گذاشته‌شده در موزه‌ها و گنجینه‌ها و نیز با استناد به برخی اسناد مکتوب — با تأکید بر اصلی‌ترین مرکز استقرار این سلسله در تهران — چنین می‌توان خلاصه کرد:

— توالی زمانی ساخت‌وسازهای قاجاری با آثار پس و چه بسا پیش از دوره قاجار،

طرح‌های پرشمار عمران شهری در مکان‌ها، ساختارها، مجموعه‌ها و محدوده‌های بازمانده از دوره قاجار پیش می‌آید. این‌گونه پژوهش‌ها به دلایل گوناگون چون ناهماهنگی‌های اداری و مدیریتی، محدودیت‌های ترابری و استقرار، مشکلات حفاظتی و انتظامی و روند پروژه‌های مرمت و سرعت برنامه‌های توسعه امکانی گسترده، مجال فراخ و بازه زمانی مناسبی نمی‌یابد. از این‌رو، گمانه‌زنی محدود و پیگردی مقذور را باید دو راهبرد اساسی پیش روی باستان‌شناسان قاجارپژوه در بافت‌های شهری و کالبدهای معمارانه برشمرد. با توجه به تغییر اوضاع و فروکاست عوامل محدودکننده در محیط‌های متروک و صحرایی شاهد دگرگونی نسبت‌ها، ابعاد و نتایج این نوع پژوهش‌ها در عرصه‌های برون‌شهری خواهیم بود.

۳. توانش‌های نظری و شایش‌های تفسیری باستان‌شناسی در بازبینی‌های تاریخی و بازسازی‌های فرهنگی دوره قاجار: به سخن دیگر، باستان‌شناسی گذشته از کندوکاوهای میدانی، راهبردهای عملی یا ورود و کنش مستقیم در عرصه پیشین‌پژوهی دوره قاجار و بررسی سیر تطور فرهنگ‌های تاریخ معاصر ایران می‌تواند به اتکای گنجینه واژگان، مجموعه مفاهیم، دایره اصطلاح‌ها و سامانه نظریه‌های خودساخته یا برگرفته از سایر دانش‌های بررسی‌کننده و رویکردهای شناساننده پدیده‌ها به نقد و تفسیر آثار، اشیاء، منابع، داده‌ها، اطلاعات و دانسته‌هایی بپردازد که حتی گاه در نگاه نخست مبنا و صورت باستان‌شناختی ندارند، اما در پرتو چالش‌های فکری، بینش‌ها، انگاره‌ها و دیدگاه‌های باستان‌شناسانه و نگرش‌های میان‌رشته‌ای مطرح در آن، زمینه‌های شرح و بازشناسی و توضیح‌شان مهیاست.

بدین ترتیب، برای کشف پیام‌ها، نشانه‌ها و معنای «متن‌ها»، «پدیده‌ها» و «پدیدارها» و قیاس آنها با هم و سنجش‌شان با یافته‌های باستان‌پژوهانه گذشته یا آینده قلمرویی گسترده در برابر باستان‌شناسان گشوده است. راهبرد نظری و تأویلی باستان‌شناسی در حوزه قاجارپژوهی به‌ویژه وقتی اهمیت می‌یابد که نگرشی باستان‌شناسانه به انبوه آثار موزه‌ای و یادمان‌های فرهنگی و هنری دوره قاجار داشته باشیم، آنها را با تاریخ‌نویسی‌های قجری و اکتشاف‌های تصادفی یا برنامه‌ریزی‌شده مقایسه کنیم و به نتایجی در تکمیل، نقد یا اصلاح دانسته‌های قاجارشناختی دست یابیم.

۱۸. بستره یا Matrix: حجم موادی که آثار یا یافته‌های باستان‌شناختی را دربر گرفته است.

قاجاریان با توالی‌های استقراری گسسته یا پیوسته) در هریک از دوره‌های فرهنگی و تاریخی،

۲. زمینه‌های شکل‌گیری و پیامدهای گوناگون تأسیس و سیر تاریخی سلسله قاجار،

۳. گزینش تهران به پایتختی و تداوم تمرکز اداری — سیاسی همراه با دگردیسی‌های متناوب اجتماعی تا امروز،

۴. گسترش چندباره شهر و تحول مظاهر شهرنشینی در پایتخت نسبت به سایر شهرهای کشور،

۵. تأثیر روابط فرامرزی در سیر تطور شهری پایتخت و تحول مدنی ساکنان آن

قاجارپژوهی باستان‌شناسانه به راهبردی اصولی برای کشف شواهدی تبدیل می‌شود که تاکنون مشاهده، مطالعه، مقایسه یا معرفی نشده‌اند و امکان ارزیابی متقابل با اطلاعات تاریخ‌نویسانه را نیافته‌اند تا از برهم‌کنش‌های تطبیقی میان «ماده فرهنگی» و «سند تاریخی» زمینه‌های «توسعه شناخت»، «اصلاح یا به‌کرد اطلاعات» و «بسط دامنه دانسته‌ها» از آخرین دوره تاریخی ایران زمین — با بازه زمانی فراتر از یک سده (تا به امروز) — فراهم آید.

اما، تنگناها و بازدارندگی‌های پیش روی باستان‌شناسی قاجار به‌ویژه در گونه شهری آن کوچک، کم‌شمار و محدود نیست. واقعیت این است که موقعیت، بستر، بافت و نسبت‌های پیرامونی برقرار میان عمده‌ترین آثار و شناخته‌شده‌ترین یادمان‌های قاجاری با عوارض سپسین یا سکونتگاه‌ها، فضاها، محدوده‌ها و مجموعه‌های دوره‌های بعد و جریان جاری زندگی معاصر درون، کنار یا بر فراز سازه‌ها یا ساختارهای قجری همچنان برپا یا مدفون شده باعث می‌شود تا «باستان‌شناسی میدانی قاجار» در همان گام نخست با

۱. معارضان حقیقی و حقوقی،
۲. صاحبان نفوذ یا کنشگران تأثیرگذار،
۳. موانع محلی و اجتماعی یا محیطی و اقتصادی،
۴. انحصارهای حقوقی یا عرفی،
۵. مقررات قانونی یا ضوابط رسمی،
۶. قید و بندهای زمانی و مکانی،
۷. فشارهای سیاسی و الزام‌های مدیریتی،
۸. فرارهای اداری یا فراقنی‌های اجرایی،
۹. مبالغه‌های خبری یا تنش‌های رسانه‌ای،
۱۰. کمبودهای اعتباری یا ناتوانی‌های مالی،

— تسلسل کارکردی فضاهای ساختمانی قاجار در دوره‌های بعد،

— تداوم بهره‌برداری‌های مکانی از بناها، مجموعه‌ها و یادمان‌های قاجاری در قالب بازتعریف‌های زمانی — فرهنگی یا الگوسازی‌های نو،

— اتصال یا اتکاء عناصر ساختمانی جدید (پساقاجار) بر قدیم (قاجار)،

— درهم‌شدن سازه‌های بنیادین (پی یا شالوده) و پشتیبان (شمع یا پشتبند) ساختمان‌های قاجاری با عناصر معماری یا در فضاهای استقرار هم‌دوره یا مراحل پیشینی و وقوع چنین پدیده‌ای میان اجزای بعضی کالبدهای پساقاجاری و قاجاری.

— دست‌خوردگی‌های یک یا چندباره نهشت‌ها، رگه‌ها و لایه‌های استقرار قاجار در پی گودبرداری‌ها، پی‌کنی‌ها و اجرای طرح‌های توسعه در دوره‌های پس از قاجار،

— پویایی در عرصه، تکاپو در حریم و زنده‌مانی محیط بناهای بازمانده از دوران قاجار،

— تخریب، نقصان و مدفون‌شدگی پدیدارهای سکونتی و درهم‌ریختگی اشیاء و دست‌ساخته‌های قاجاری با مواد فرهنگی پیش از آن به دلیل کندوکاوهای عمرانی و تحولات شهرنشینی دو دوره متأخر.

— نسبت‌های تأثیرگذار و تناسب‌های مشهود میان کشف ساختارها و بافتارهای زیرسطحی یا اجزای آنها و الگوی تمرکز یا پراکنش‌شان و آگاهی‌های برخاسته از اسناد ترسیمی (نقشه‌ها) دوره قاجار به‌ویژه از شهر تهران.

بدین ترتیب، «باستان‌شناسی قاجار» در مقام کشف و شناسایی مکان‌ها، پردازش و توضیح آثار و تحلیل و نتیجه‌گیری از داده‌ها با «تنبیدگی مجموعه‌ای از شواهد پیشینی و پسینی»، «مشاهده یافته‌های غالباً برج و کم‌تر درجا»، «دست‌خوردگی‌های (چهبسا چندباره) بافتاری دوره بعد و زمانه بعدتر خود»، «فرض و حکم‌های توضیحی و تفسیری مبتنی بر یا متأثر از روندهای تاریخی معاصر» و «محدودیت‌های محیطی گوناگون (اجتماعی، اداری، سیاسی)» رو در رو است. این شاخص‌های ترکیبی در کانون استقرار سیاسی و مرکز توسعه اجتماعی — فرهنگی قاجاریان، یعنی تهران، نمادی آشکار و نمودی محسوس دارد. با این پیش‌زمینه‌ها و در پرتو ویژگی‌های فرهنگی — تاریخی خاصی چون:

۱. موقعیت راهبردی تهران و محدوده سرزمینی عام مربوط به آن در شمال مرکز فلات ایران (پیش و پس از روی کار آمدن

چه در حوزه «توسعه و عمران» و چه در بخش «میراث فرهنگی» یاد نکرد. برخورد‌های تصادفی به آثار زیرسطحی قاجاری و قدیم‌تر از آن در بافت‌های قاجاری مشهود و پیش روی ما در تهران حین عملیات عمرانی در نقاط گوناگون شهری نمونه‌هایی قبض و بسط‌پذیر از مدعاهای پیش‌گفته را در خود دارند:

۱. شناسایی آب‌انباری سالم و کامل و نیز شواهدی از سازه‌های مرتبط با امور آبرسانی و گونه‌های سفالی ساده و لعاب‌دار از دوره‌های صفوی و قاجار در زیر کف «شهبستان چهلستون مسجد جامع تهران» (در شمال بازار تهران و جنوب شرق تلاقی گاه بازار بین‌الحریمین با گذر نوروزخان) در پی حضور کارشناسی نگارنده حین اجرای عملیات استحکام‌بخشی ساختاری، ساماندهی فضایی و مرمت‌های موردی در این شهبستان اساساً قاجاری طی بهار ۱۳۷۸ که مدارکی گویا از وضعیت محیطی و گونه بهره‌برداری‌های انسانی از این محل را تا پیش از احداث مسجد جامع یا دست‌کم قبل از تأسیس شهبستان چهلستون آن را به نمایش می‌گذارد (مصدقی امینی، ۱۳۷۸؛ ۱۳۸۳؛ ۱۳۸۴؛ ۱۳۸۶؛ ۱۴۰۲ الف ۶۴۶، ۶۵۱، ۶۶۲، ۶۵۵، ۶۵۷، ۶۵۹ و تصویرهای ۴، ۸، ۹، ۱۲، ۱۴، ۱۵-برای مرمت، آب‌انبار و گمانه و ۱۶ تا ۱۸ برای سفال).

۲. بازنمایی بقایایی از ساخت‌وسازهای دست‌خورده قاجاری و پهلوی اول (در پی فعالیت‌های متناوب عمرانی در محل) با کارکردهای متفاوت کارگاهی و خدماتی (دو آب‌انبار کوچک، حوضچه ذخیره سوخت، سازه‌هایی برای افشردگیری یا فرآوری برخی خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها) طی عملیات بررسی، پیگردی موضعی و گمانه‌زنی باستان‌شناختی به سال ۱۳۹۱ در ملک شخصی مقرر برای تخریب و نوسازی در نزدیکی انتهای کوچه آرامنه بازار حضرتی تهران (مصدقی امینی، ۱۳۹۱).

۳. مواجهه با آثار مسلم زیرسطحی در میانه نیمه جنوبی خیابان صفی‌علیشاه برابر با غرب عرصه تاریخی باغ نگارستان ضمن گودبرداری‌های شرکت فاضلاب در آبان‌ماه ۱۳۹۵ و مستندنگاری محدود^{۱۶} بقایای معماری، قطعات سفال‌های ساده و لعاب‌دار و تکه‌های مجسمه و فک انسانی در عمق

۱۶. به دلیل تنگنای زمانی - محیطی و کارشناسی پیمانکار و شهرداری تهران برای تحقق برنامه پژوهشی پیشنهادی.

۱۱. تداخل مسئولیت‌های خرد و کلان و تضارب آرا و چه‌بسا منافع شخصی، صنفی یا دستگاهی

مواجه باشد. بدیهی است آنچه در میانه این‌همه متغیر مشکل‌آفرین، کندکننده و یأس‌آور قربانی می‌شود آثار، شواهد و دانسته‌های بی‌سابقه و به سخنی سرگذشت‌های نانوشته، روایت‌های ناگفته و اسناد ناخوانده قاجار خواهد بود.

دیگر موارد معنادار در «آسیب‌شناسی باستان‌شناسی دوره قاجار» و به سخنی نپرداختن به این رویکرد به فزونی آثار فرهنگی و منابع مکتوب و درک و تلقی عمومی از آثار یادگارهای قاجاری بازمی‌گردد. به نظر می‌رسد:

- فراوانی آثار و یادمان‌های مادی و معنوی بازمانده از دوره قاجار در پیرامون ما،
- تعدد و رشد منابع مطالعاتی درباره تاریخ، سیاست، شریعت، جامعه، اقتصاد، فرهنگ، معماری و هنر قاجار،
- برقراری مناسبت‌های گوناگون در یادکرد برخی از رویدادهای تاریخی و ملی،
- برگزاری پاسداشت شماری از کنشگران سیاسی، فرهنگی و مذهبی زمانه قاجار،
- هم‌عصری مردمان و هم‌زیستی اجتماع حاضر با ساختارها و سنت‌های قاجاریان

جایی برای توجه یا حس بایستگی و اهمیت «باستان‌شناسی» برای کشف ناپیدها، دیدن نادیده‌ها و آگاهی از شواهد و درک ارزش مواد و آثاری که چه به تنهایی و چه در بافت فرهنگی خود تاکنون کم‌شناخته یا ناشناخته مانده‌اند، باقی نگذاشته است. با این پیشینه برآمده از تجربه زیست و حضور میدانی و با استناد به آشنایی‌های بی‌واسطه با واکنش‌ها و بازخوردهایی که در برابر گزارش‌های کارشناسی و پیگیری‌های اداری سراغ دارم می‌توان بر برخی دلایل کم‌توجهی، بی‌تفاوتی و نبود گرایش‌های باستان‌پژوهانه در مورد دوره قاجار صحنه گذاشت. چه بسیار طرح‌های عمرانی و چه فراوان برنامه‌های مرمتی و پروژه‌های ساماندهی که مسئولان یا مجریان‌شان پیش از آغاز و در مرحله امکان‌سنجی نه‌تنها استعلامی از میراث فرهنگی یا از منظر باستان‌شناسی نکرده‌اند، بلکه پس از اجرا و حین برخورد با آثار زیرسطحی یا بعد از پیدایی ساختارهای استقراری و در پی برخی دیده‌ها، گزارش‌ها و آراء کارشناسی راه سکوت، رویه تعلل، بنای انکار، روش فرافکنی در پیش گرفته‌اند. در این میان نمی‌توان از چشم‌پوشی‌ها، سست‌ورزی‌ها و فروگذاری‌های اداری و مدیریتی

پیشین پژوهانه هر دوره فرهنگی، برهه تاریخی و زمانه معاصر زندگی آدمی است. با وجود «تازگی تاریخ»، «پسینی فرهنگ» و «تأخر دستاوردها»ی مادی و معنوی قاجاریان، در نگاه باستان‌شناسانه به این دوره شاهد تحقق هر سه بارزه یادشده هستیم. بی‌تردید تفحص‌های میدانی و جستارهای نظری در این باره بدون «یافته‌های مادی گوناگون»، «داده‌های خام یا پردازش‌شده متنوع» و «اطلاعات خرد و کلان پرشمار»، نخواهد بود. این مدارک چه از لحاظ موردی و چه از دید مجموعه‌ای کم‌تر نشانی در اسناد مکتوب بازمانده از دوره قاجار دارند و غالباً رد و اثری از آنها در منابع قاجارشناسی دیده نمی‌شود. حتی به فرض وجود «زمینه و سابقه»، «اشاره و تداعی» و «هم‌خوانی و یادآوری» مسلماً این شرح و بسط باستان‌شناسانه است که بر روشنی و روانی آنها خواهد افزود یا بستر بحث را برای «اصلاح و تکمیل» یا «اذعان و تأیید» فراهم خواهد آورد.

مخاطب این نوشتار جدا از پژوهشگران علاقمند یا متمرکز بر باستان‌شناسی دوران معاصر ایران، تفحصگران حوزه باستان‌شناسی شهری، متخصصان دوره‌های پیش‌ازتاریخ یا خبرگان دوران تاریخی که در جریان گمانه‌زنی‌ها یا در سرآغاز کندوکاوهایی لایه‌نگارانه یا کاوش‌های گسترده‌شان با بقایای فرهنگ‌های متأخر مواجه‌اند، دو گروه مسئول و تأثیرگذار بر برون‌دادهای علمی پیشین پژوهانه هستند: نخست، سران و مدیران میراث فرهنگی به‌ویژه در پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و متولیان برگزاری همایش‌هایی نظیر همایش ملی هنر/ایران در دوره قاجار و دوم قاجارپژوهان غرق در اسناد و مدارک تاریخی یا صرفاً مشغول به آثار مادی مرئی و دست‌ساخته‌های هنری، ساختمانی و صنعتی مشهود آن دوره و غافل از وجود و اهمیت آثار زیرسطحی قاجاری و چه‌بسا حاوی تبیین‌های نو، مکمل یا اصلاحی برای دانسته‌های موجود.

«باستان‌شناسی قاجار» نه‌تنها در مقام ناسازی جانب‌دارانه، تضاد نابخردانه، انکار بی‌پایه و اساس، طرد انحصارطلبانه یا رد صدر تا ذیل داده‌ها، اطلاعات و دانسته‌های تاریخی، هنری، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دوره قاجار نیست، بلکه به مدد «ماده و یافته»، «شاهد و اثر» و «داده و مدرک» در پی کشف زوایایی پنهان و بازنمایی بخش‌هایی ناپیدا از بقایای سطحی و زیرسطحی برج‌مانده از نزدیک به سیزده دهه فرمانروایی قاجاریان بر ایران است. شناسایی، ارزیابی و توضیح باستان‌شناسانه یافته‌های مادی بر «چندی و چونی اطلاعات» و «شرح و بسط آگاهی‌ها» و «حد و حجم نوآوری‌ها»

یک تا دو متری. این‌همه، در برداشتی اولیه از مشاهده‌های میدانی و بررسی مقدماتی مدارک گردآوری‌شده، علاوه‌بر دلالت بر وجود ساخت‌وسازهای مرتبط یا مکمل با باغ نگارستان حاکی از رویداد(ها)ی تاریخی در سیر دوره قاجار به‌ویژه رخداد(ها)ی هم‌پیوند با باغ نگارستان است (مصدقی امینی، ۱۳۹۵).

۴. ثبت شواهد و بقایایی درجا (با تخریب‌ها و دست‌خوردگی‌های قانونی و پیرامونی در پی گودبرداری شرکت فاضلاب) از ساخت‌وسازهای مرتبط با سیر تطور مجموعه تاریخی کاخ گلستان در عمق ۲/۵ تا ۳ متری بخشی از انتهای غربی سطح خیابان صوراسرافیل، واقع در گوشه شمال‌غربی عرصه تاریخی کاخ گلستان که بنابه قراین تاریخی و احتمال اولیه وجود آنها را باید در ارتباط با تأسیسات فنی یا صنعتی موجود در محل دانست (مصدقی امینی، ۱۳۹۶).

۵. پیدایی و گردآوری انبوهی از تکه‌سفال‌های ساده و لعاب‌دار دوره قاجار و پیش از آن در جریان عملیات گودبرداری و لوله‌گذاری شرکت فاضلاب در امتداد غرب به شرق خیابان مولوی از مبدا میدان محمدیه و گسترش دامنه و خط‌سیر این طرح عمرانی به سوی میدان امین‌السلطان که پس از گزارش کارشناسی بخش نخست و در پی حضور متخصصان باستان‌شناس و منطبق با برنامه میدانی آنها کشف قدیم‌ترین شواهد استقرار و تدفین در محدوده شهری تهران را با قدمت هفت هزارسال پیش به دنبال داشت (مصدقی امینی، ۱۳۹۳؛ ۱۴۰۲ ب: ۶۷۶ - ۶۷۱).

این نمونه‌ها از میان خیل مواردی که دست‌کم از زمان تأسیس نهاد مسئول برای باستان‌شناسی ایران طی دوره‌های گوناگون تشکیلاتی و برهه‌های متفاوت مدیریتی می‌توان سراغ گرفت، از لحاظ تحقق پژوهشی روشمند و منتهی به داده‌پردازی‌های منجر به اطلاعات نو، مکمل یا مؤید و مستندساز برای دانسته‌های تاریخی غالباً ناکام، نافرجام یا ناتمام مانده و به هدف‌های پیش‌بینی‌شده یا ممکن دست نیافته‌اند. چنین چشم‌انداز معیوب، نابسامان، ادامه‌دار و نیازمند بازنگری و بازساماندهی‌های کارشناسی، برنامه‌ای و مدیریتی از دیگر زمینه‌های انکارناپذیر در طرح و پرداخت باستان‌شناسی دوره قاجار است.

نتیجه‌گیری

«گذر زمان»، «تحول مکان» و «برجا یا درجاماندن اثر انسان» سه ویژگی باستان‌شناسانه در نگرش تطوری به گذشته و بررسی

پاپلی یزدی، لیلا و مریم دژم خوی، ۱۳۹۷. *باستان‌شناسی سیاست‌های جنسی و جنسیتی در پایان عصر قاجار و دوره پهلوی اول*، تهران: نگاه معاصر.

تریگر، بروس جی، ۱۳۹۵. *تاریخ تفکر باستان‌شناختی*، ج ۱، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

تکمیل همایون، ناصر، ۱۳۷۸. *تاریخ اجتماعی و فرهنگی تهران*، ج ۲: *دارالخلافه ناصری*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

تکمیل همایون، ناصر (به‌کوشش)، ۱۳۸۷. *رویدادها و یادمان‌های تاریخی تهران*، ج ۱: *از آغاز تا بنای دارالخلافه ناصری*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

تکمیل همایون، ناصر (به‌کوشش)، ۱۳۹۴. *رویدادها و یادمان‌های تاریخی تهران*، ج ۲: *از دارالخلافه ناصری تا پیروزی مشروطه*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

دارک، کن آر، ۱۳۸۷. *مبانی نظری باستان‌شناسی*، ترجمه کامیار عبدی، ج ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

رفیعی آتانی، مریم و حمیده چوبک، ۱۳۹۴. «نگرش عوام به آثار باستانی در دوره قاجار»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دوره ۲۵، شماره ۱۶، پیاپی ۱۰۱: ۱۲۴-۱۰۵.

رو، ژرژ، ۱۳۶۹. *بین‌النهرین باستان*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: آبی.

ساریخانی، مجید، ۱۳۸۲. *بررسی باستان‌شناسی معماری و شهرسازی شهرستان ملایر در دوره قاجار*، ملایر: علم گستر.

طرفداری، علی‌محمد، ۱۳۹۸. *از گنج‌یابی تا باستان‌شناسی: ایران‌شناسان اروپایی و باستان‌شناسی ایران در دوره قاجار و پهلوی اول*، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.

عدل شهریار و برنار اورکاد (زیر نظر)، ۱۳۷۵. *تهران پایتخت دوپست‌ساله*، تهران: سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران و انجمن ایران‌شناسی فرانسه.

علی‌اکبرزاده کُرد مهبینی، هلن و آرمان شیشه‌گر، ۱۳۶۷. *گزارش حفاری کاخ گلستان*، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد مدیریت میراث فرهنگی استان تهران (منتشر نشده).

فوکو، میشل، ۱۳۹۲. *دیرینگی دانش*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌نیده، ج ۹، تهران: نی.

گرابار، الگ، ۱۳۷۸. «تأملی در هنر قاجاری و اهمیت آن»، ترجمه ولی‌الله کاوسی، *گلستان هنر*، شماره ۱۴: ۹۸-۹۵.

مجیدزاده، یوسف، ۱۳۶۷. «بررسی چند منبع تاریخی اسماعیلیه از دیدگاه باستان‌شناسی»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، سال ۲، شماره ۲، پیاپی ۴: ۲۸-۴۰.

مجیدزاده، یوسف، ۱۳۷۶. *تاریخ و تمدن بین‌النهرین*، ج ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

مصدقی امینی، فرشید، ۱۳۷۸. *پیگردی و گمانه‌زنی باستان‌شناسی در شبستان چهلستون مسجد جامع تهران*، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی استان تهران (منتشر نشده).

مصدقی امینی، فرشید، ۱۳۸۳. *مسجد جامع تهران از دیدگاه باستان‌شناسی*، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی استان تهران (منتشر نشده).

قاجارپژوهی می‌افزاید و بررسی تطبیقی شواهد با گزاره‌ها و اسناد نوشتاری، دآوری‌های تاریخی — فرهنگی را واقع‌گرایانه‌تر و افق‌های آتی پژوهش را روشن‌تر، منظم‌تر و نتیجه‌بخش‌تر می‌کند.

پرداخت موضوعی (پژوهش، ارزیابی، تحلیل و تفسیر) عام و فراگیر به هریک از سه شاخه یا حوزه اصلی «فرهنگ» قاجاریان یعنی «تاریخ»، «معماری» و «هنر» به‌ویژه ادای بازتابی و ترویجی نتیجه پژوهش‌ها (در قالب همایش‌ها و نمایشگاه‌ها) بدون توجه به رشته یا رویکردی که به‌طور بنیادین و مستقیم بخش‌های نادیده، زیرسطحی و همواره ممکن برای نبش و کشف آثار بکر، مکمل، مؤید یا اصلاح‌کننده دانسته‌های تاریخی را در پیش می‌گذارد، ناقص، معیوب و محل انتقاد خواهد بود. «باستان‌شناسی» به واسطه توانش‌های پژوهشی و نوآوری‌های ماده‌محور، یاریگری‌هایی انکارناپذیر برای «پردازش‌های محتوایی جدید» و «ارزیابی‌های مقایسه‌ای بی‌سابقه» به منظور گسترش دامنه مباحث قاجارپژوهی در بستر دوران‌شناسی تاریخ معاصر ایران را دارد. تحقق چنین حقیقتی و دستیابی به رهاورد‌های پی‌آیند آن — به خصوص در ساختار دستگاه میراث فرهنگی ایران — مستلزم تغییر بینش و گذر از نگاه جزیره‌ای به پژوهش‌های پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری است.

پیشکش: گذشته از تجربه‌های گوناگون و ماندگار اداری، میدانی و نگارشی نگارنده از پی حضور هفده‌ساله در امور پژوهشی میراث فرهنگی استان تهران، این مقاله تفسیری — راهبردی را به پاس آموزگاری مستقیم شادروان دکتر محمدیوسف کیانی که در محضرش باستان‌شناسی دوران اسلامی را آموختم و برای قدرشناسی از خوشه‌چینی غیرمستقیم از دانش نظام‌مند دکتر یوسف مجیدزاده که با زمینه و تخصص پیش‌از‌تاریخ‌شناسانه نگرش‌های تفسیری به دوره‌های پسین را نشر و آموزش داده (مجیدزاده ۱۳۶۷: ۳۹)، به این دو استاد الگو و تأثیرگذار بر باستان‌شناسی ایران تقدیم می‌کنم.

کتاب‌نامه

بان، یل، ۱۳۹۴. *باستان‌شناسی*، ترجمه کامیار عبدی، تهران: ماهی.
 بساطی، فهیمه، ۱۳۹۰. *سیر باستان‌شناسی ایران در دوره قاجار*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ، استاد راهنما دکتر حسین مفتخری، تهران: دانشگاه تربیت معلم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی (منتشر نشده).

مگي، برايان، ۱۳۸۸. *داستان فلسفه*، ترجمه ماني صالحی علامه، تهران: کتاب آمه.

ملک‌شهميرزادی، صادق، ۱۳۶۹. «بررسی سیر تحولات مطالعات باستان‌شناسی در ایران»، مجموعه مقالات *انجمن‌واره بررسی مسائل ایران‌شناسی*، به کوشش علی موسوی گرمارودی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، صص. ۳۷۳-۴۴۷.

نصر، سيد حسين، ۱۳۹۱. *دين و نظم طبيعت*، ترجمه انشاءالله رحمتی، چ ۴، تهران: نی.

وايت، ا. لسلي، ۱۳۷۹. *تکامل فرهنگ*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: دشتستان.

وايت، ا. لسلي، ۱۳۹۴. *تکامل فرهنگ*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: نسل آفتاب.

ورکوتر، ژان، ۱۳۶۸. «معمای سنگ روزتا؛ دانشمندان و ماجراجویانی که یک تمدن فراموش شده را کشف کردند»، ترجمه یوسف مجیدزاده، *ماهنامه پیام یونسکو*، سال ۲۰، شماره ۲۲۰: ۱۱-۸.

ورهرام، غلامرضا، ۱۳۸۵. *نظام سیاسی و سازمان اجتماعی ایران در عصر قاجار*، تهران: معین.

ورهرام، غلامرضا، ۱۳۶۸. *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر زند*، چ ۲، تهران: معین.

Ceram, C. W., 1970. *The March of Archaeology*, Trans from the German by Richard and Clara Winston, New York: Alfred A. Knopf Inc.

Foucault, P. M., 1969. *L'archéologie du savoir*, Paris: Éditions Gallimard.

Foucault, P. M., 2002. *The Archaeology of Knowledge*. trans. A. M. Sheridan Smith. London and New York: Routledge.

Renfrew, A. C. and P. Bahn, 1991. *Archaeology: Theories, Methods and Practice*, London: Thames & Hudson.

White, L. A., 1949. *The Science of Culture; a Study of Man and Civilization*, New York: Grove Press, Inc., pp.397- 415.

White, L. A., 1959. *The Evolution of Culture: The Development of Civilization to the Fall of Rome*, New York: McGraw- Hill Book Company, Inc.

مصدقی امینی، فرشید، ۱۳۸۴. *مرمت و ساماندهی در نسیستان چهلستون مسجد جامع تهران*، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی استان تهران (منتشر نشده).

مصدقی امینی، فرشید، ۱۳۸۶. *بررسی تاریخی مسجد جامع تهران*، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی استان تهران (منتشر نشده).

مصدقی امینی، فرشید، ۱۳۹۱. *گزارش بررسی، پیگردی و گمانه‌زنی باستان‌شناختی در ملک مصطفوی - صباغ (پلاک ثبتی ۳۲۹۵)، کوچه آرامنه، بازار حضرتی تهران*، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی استان تهران (منتشر نشده).

مصدقی امینی، فرشید، ۱۳۹۳. *گزارش بازدید، بررسی و مستندنگاری آثار فرهنگی تاریخی زیرسطحی در محور خیابان مولوی، طرح عمرانی شرکت فاضلاب تهران در فاصله میدان محمدیه - میدان قیام*، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

مصدقی امینی، فرشید، ۱۳۹۴. *روند پیچیدگی اجتماعی در دوره روستائینشی آغازین در شمال مرکز فلات ایران*، رساله دوره دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، گروه باستان‌شناسی (منتشر نشده).

مصدقی امینی، فرشید، ۱۳۹۵. *گزارش بازدید و بررسی محل کشف بقایای اسکلت انسانی و یافته‌های سفالی حین گودبرداری شرکت فاضلاب در خیابان صفی‌علی‌شاه*، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).

مصدقی امینی، فرشید، ۱۳۹۶. *گزارش بازدید، بررسی و برنامه پژوهش در خط گودبرداری شرکت فاضلاب در شمال عرصه تاریخی کاخ گلستان، تهران: کتابخانه و مرکز اسناد پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).*

مصدقی امینی، فرشید، ۱۴۰۲ الف. «کاوشگری در مسجد جامع تهران»، مجموعه مقالات *کنگره‌های استانی، چهارمین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، استان تهران*، به کوشش اسکندر مختاری طالقانی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، صص. ۶۶۸ - ۶۴۵.

مصدقی امینی، فرشید، ۱۴۰۲ ب. «چشم‌اندازی از میدان امین‌السلطان بر دوره روستائینشی در پایتخت ایران»، مجموعه مقالات *کنگره‌های استانی، چهارمین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران، استان تهران*، به کوشش اسکندر مختاری طالقانی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، صص. ۶۹۲ - ۶۶۹.